



بزرگ قاتل

چرا لازم نیست کتاب شاگرد ته کلاس را بخوانیم

مریم رحیمی پور

خبرنگار

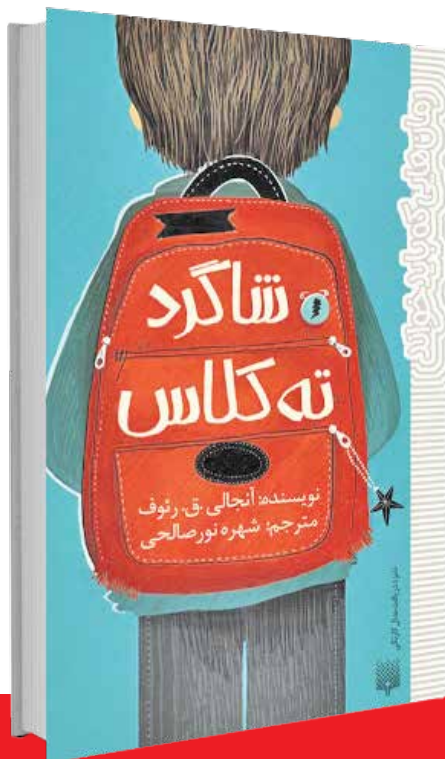
شاگرد ته کلاس یکی از آن کتاب‌هایی است که این طرف و آن طرف زیاد دیده‌ام. زمانی که نشر پیدایش این کتاب را چاپ کرد به خاطر داستان (و البته طرح روی جلدش) بلافاصله تهیه و مطالعه کردم. نتیجه مایوس کننده بود. بعدتر همین کتاب توسط انتشارات دیگری هم منتشر شد و خیلی پیش آمد که همدیگر را در کتابفروشی‌ها و آفلاین و آنلاین ملاقات کنیم و حالا این چند خط برای توضیح این مسأله است که چرا لازم نیست چنین کتابی را بخوانیم. «شاگرد ته کلاس» ماجرای پسری اهل سوریه به نام «احمد» است که حالا به لندن پناهنده شده. در درجه اول اگر بخواهیم ساختار کتاب را بررسی کنیم باید بگوییم که شاید از هر نظر نمره ضعیفی بگیرد. شخصیت اصلی کتاب که سعی می‌کند به احمد کمک کند بی نهایت کلیشه‌ای و سطحی است. از طرفی پردازش این شخصیت تا اندازه‌ای ضعیف است که من تا یک سوم پایانی کتاب تصور می‌کردم پسر است. (گرچه الان هم که مشغول نوشتن این یادداشت هستم مطمئن نیستم دختر بود.) احمد به مدرسه جدید می‌آید و دخترک داستان می‌خواهد با او دوست شود و قلدر مدرسه با او بد رفتاری می‌کند و ماجراهای کلیشه‌ای که صد و چند صفحه از کتاب را در برمی‌گیرد. بعد از مدتی دوست‌های جدید احمد متوجه می‌شوند که قرار است ورود پناهنده‌ها به انگلستان ممنوع شود و تصمیم می‌گیرند برای کمک به احمد کاری بکنند تا بتوانند پدر و مادرش را پیدا کنند. (ایده کلیشه‌ای قهرمانی و ماجراجویی کودکانه) پس تصمیم می‌گیرند به رئیس جمهور یا قاضی دیوان عالی کشور نامه بنویسند. وقتی به نتیجه نمی‌رسند تصمیم می‌گیرند برای «ملکه» نامه بنویسند. (البته ملکه در زمان نگارش کتاب زمانی که من مطالعه‌اش کردم هنوز به رحمت ایزدی نیویسته بود). بعد از اینکه دخترک و دوستانش جوابی از ملکه دریافت نمی‌کنند تصمیم می‌گیرند به «کاخ باکینگهام» بروند و شخصاً مسأله را با ملکه مطرح کنند. گارد سلطنتی جلوبیشان را می‌گیرد و تصویرشان در رسانه‌ها منتشر می‌شود و جریان مفصلی راه می‌افتد. ملکه هم به بچه‌های مدرسه نامه می‌نویسد و از آنها می‌خواهد برای صرف جای به کاخ باکینگهام بیایند و قول می‌دهد که پدر و مادر احمد را پیدا کند. پدر و مادر احمد هم پیدا می‌شوند و همه چیز به خوبی و خوشی به پایان می‌رسد.

در همان صحنه‌هایی که بچه‌های داستان تلاش می‌کردند با ملکه دیدار کنند چند سؤال در ذهن من شروع به پررنگ شدن کرد. به وجود آورنده داعش چه کسانی بودند؟ ناپود کننده داعش چه کسانی بودند؟ خوب و بد این ماجرا کجاست؟ و قهرمان چه کسی است؟ در سرتاسر کتاب بیان می‌شود که «زورگوا» موجب آوارگی احمد و پدر و مادرش شده‌اند. جوری که خواننده تصور می‌کند این زورگوا از فضا آمده‌اند و نام و نشانی ندارند و انگلستان و ملکه‌اش به عنوان سردمدار زورگواهای عالم در سرتاسر تاریخ معاصر، با آن سابقه درخشان در برده‌داری و استعمار حالا قهرمان داستان هستند.

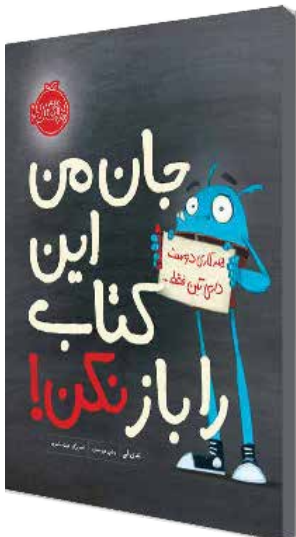
همان‌طور که گفتم موضوع این کتاب یعنی مسأله «پناهندگی» به قدری برایم جذاب بود که بعد از اولین چاپ بلافاصله خریدمش. می‌خواستم به نوجوان‌های اطراف توصیه کنم که بخوانند و باهم در مورد پناهندگی صحبت کنیم. (از سوریه تا افغانستان و هر آنچه جنگ بر سر آدم‌ها می‌آورد). اما بعد از خواندن کتاب فقط به یک چیز فکر می‌کردم. اینکه بچه‌های نسل بعد جنگ سوریه را چگونه تصور می‌کنند؟ دوباره جای قاتل و مقتول عوض می‌شود؟ و تکلیف قهرمان‌های واقعی این مسیر چه خواهد بود؟ چنین طرح داستانی من را یاد فیلم‌های سینمایی کودکی‌ام می‌اندازد. آن دسته بچه‌هایی که یکمرتبه معروف می‌شدند و با رئیس‌جمهور ملاقات می‌کردند و دنیا را نجات می‌دادند و رئیس‌جمهور از پشت میزش به آنها لبخند می‌زد. گمان می‌کنم دوره چنین داستان‌هایی مدت‌هاست به سر آمده. کدام یک از میلیون‌ها کودک و نوجوان پناهنده که درگیر جنگ و آوارگی شدند، موفق می‌شوند که ملکه و رئیس‌جمهور را ملاقات کنند؟ اصلاً ملاقات کردن برایشان سودی هم دارد وقتی خانه و خانواده و کشورشان را از دست دادند؟ برای چنین موضوعی شاید کتاب «بی‌سرزمین» پیشنهاد بهتری باشد. گرچه پسرک این داستان هم در نهایت با کمک یک پسر آمریکایی زندگی‌اش را سر و سامان می‌دهد اما حداقل نویسنده ما را پشت در کاخ باکینگهام معطل و مسخره نمی‌کند.

جدای از نگاه جانبدارانه نویسنده، «شاگرد ته کلاس» حتی کتاب جذابی هم نیست. سیر داستان بی‌نهایت کند و خسته‌کننده است. همان‌طور که گفتم شخصیت‌ها پردازش نشده و سطحی هستند و پایان ماجرا به قدری تکراری است که هیچ‌کس را غافلگیر نمی‌کند و با همه این تعاریف مشخص است که ارزش خواندن ندارد و شاید روزی مردی از خویش برون آید و برای روایت حقیقت ماجرا کاری بکند....

کتاب‌های نوجوان با بستر تاریخی همیشه پیشنهادهای جالبی هستند، در چنین کتاب‌هایی همیشه ردپای ملیت نویسنده دیده می‌شود. مثلاً یک کتاب نوجوان در مورد آلمان شرقی که به قلم یک نویسنده انگلیسی است، مشخص است که چه ویژگی‌هایی دارد و آلمان و آلمانی‌ها را چگونه نشان می‌دهد. توجه به زاویه دیدهای متفاوت در کتاب‌های تاریخی مسأله‌ای است که همه نوجوان‌ها باید با آن آشنا باشند اما بعضی کتاب‌ها پا را از این حدود فراتر می‌گذارند و سمت تغییر تاریخ می‌روند....



چنین طرح داستانی من را یاد فیلم‌های سینمایی کودکی‌ام می‌اندازد. آن دسته بچه‌هایی که یکمرتبه معروف می‌شدند و با رئیس‌جمهور ملاقات می‌کردند و دنیا را نجات می‌دادند. کدام یک از میلیون‌ها کودک و نوجوان پناهنده که درگیر جنگ و آوارگی شدند، موفق می‌شوند که ملکه و رئیس‌جمهور را ملاقات کنند؟ اصلاً ملاقات کردن برایشان سودی هم دارد وقتی خانه و خانواده و کشورشان را از دست دادند؟



جان من این مطلب را نخوان!

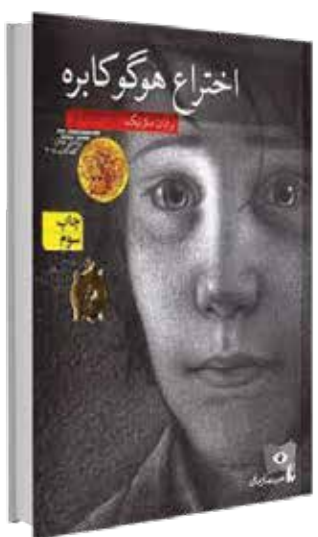
کتابی برای نخواندن فکر کردن و نوشتن

زهرا بزرگ‌زاده
روانشناس کودک

این هفته چند نکته مهم در مورد آموزش خودآگاهی به کودکان یاد گرفتم. خودآگاهی اولین مهارت در لیست مهارت‌های زندگی است، بی نهایت کتاب درباره آن چاپ شده و هزاران سخنرانی و کارگاه برای آموزش آن برگزار می‌شود. اما در نهایت باز هم وقتی به آن فکر می‌کنیم، مفهومی گنگ در ذهنمان می‌آید. در واقع شناختن خود، کاری سهل و ممتنع است. حالا این مفهوم پیچیده را بنا بر نظر غالب رویکردهای تربیتی، باید در برنامه آموزشی به کودکان هم گنجاند و اینجاست که کار سخت‌تر هم می‌شود. آنچه این هفته در مورد خودآگاهی آموختم این است که فایده تربیتی آن برای کودک، بیش از آنکه فلسفی و ذهنی باشد، عملی و کاربردی است. مثلاً درک این موضوع که آدم‌ها منحصر به فرد هستند و هرکس از جهات مختلفی با دیگری فرق دارد، یکی از زیرشاخه‌های خودآگاهی است. حال اگر کودک، متناسب با سن خود، سطوحی از این موضوع را درک کند، زیربنای بسیاری از حسادت‌ها و تعارض‌ها برچیده می‌شود، چرا که او متوجه می‌شود در هر شرایطی، خودش و خانواده‌اش منحصر به فرد هستند و طبیعتاً قوانین، محدودیت‌ها، امکانات و... در او و خانواده‌اش با خانواده‌های دیگر متفاوت است.

برای آموزش خودآگاهی به کودکان، فرایندی مستمر و در لحظه لازم است. ما و کودکان، همیشه سرکلاس درس هستیم، هم ما از او چیزهایی می‌آموزیم و هم او از ما الگوبرداری می‌کند. اما برای شروع بحث با او یا مشتاق کردن او به فکر کردن بیشتر در مورد خودش، کتاب «جان من این دفتر خاطرات را باز نکن!» نوشته اندی لی و ترجمه رضی هیرمنندی، کتاب خوبی است. در واقع این کتاب یک دفترچه خاطرات است که کودک می‌تواند طی بر کردن آن، کم کم با خودش و مفهوم خودشناسی آشنا شود. این کتاب ابتدا با مفاهیم ساده‌تر شروع می‌کند: نام، نام خانوادگی، شهر محل زندگی و... سپس سراغ اطلاعات خانوادگی می‌رود. خواهرها و برادرها، ویژگی‌هایشان، فامیل، دوست‌داشتنی‌ترین‌هایشان و... این کتاب جای زیادی برای نقاشی کردن و چسباندن عکس‌های مرتبط دارد که باعث می‌شود برای کودک به کتاب جالب و ماندگاری تبدیل شود. نباید از این کتاب انتظار متن‌ها یا نقاشی‌های زیادی داشته باشید. این کتابی است که در واقع نویسنده آن کودک شماست.

به نظر من تا حدود نیمه کتاب برای کودکان ۵ تا ۷ سال مناسب است و اگر کمی بزرگ‌تر باشند شاید بهتر بتوانند با باقی آن ارتباط برقرار کنند. در نتیجه این کتاب درست مثل یک دفترچه خاطرات، محرم رازهای کودکان خواهد شد و چندسالی را در نزدیک‌ترین طبقه کتابخانه‌اش جا خوش خواهد کرد.



تماشای فیلم روی کاغذ

کتابی که همزمان شما را به کتابخانه و سینما می‌برد

معصومه فراهانی
آموزگار

فیلم دیدن و کتاب خواندن در ذهن ما دوفرایند مجزا هستند، برای همین است که با دیدن اسم «سینما رمان» روی یک کتاب کمی تعجب می‌کنیم. اولین چیزی که در رمان «اختراع هوگو کابره» توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند، فرم متفاوت داستان است. کتاب را که ورق می‌زنی، چند خطی کلمه می‌بینی و چند صفحه تصویر. داستان این کتاب همزمان با کلمات و تصاویر روایت می‌شود. تصاویری که آدم دوست ندارد چشم از آنها بردارد از بس که پر جزئیات و چشم‌نوازند. داستان درباره پسری به نام «هوگو» است. هوگو در لابه‌لای دیوارهای ایستگاه راه‌آهن شلوغی در شهر پاریس زندگی می‌کند و از جدار ساعت‌های دیواری، اتفاقات ایستگاه را زیر نظر می‌گیرد. وظیفه او رسیدگی به ساعت‌های دیواری ایستگاه و تنظیم دقیق آنهاست که برای پسری به سن او، وظیفه بزرگی به نظر می‌رسد. او شب‌ها در اتاق کوچکی که به صورت مخفی بین دیوارهاست استراحت می‌کند و غذایش را از مغازه‌های راه‌آهن برمی‌دارد. چرا او تنهاست؟ چه کسی او را به این کار واداشته است؟ در همان آغاز داستان ذهن ما پر از سؤال می‌شود. از اینها گذشته، او یک راز دارد: یک دفترچه پر از نقش و فرمول و یک آدم‌آهنگی بزرگ که کار نمی‌کند. راز او به زندگی یک دختر کتابخوان و پیرمرد بداخلاق اسباب بازی فروش در ایستگاه گره خورده است. او برای حل کردن رازش به آنها نیاز دارد اما همزمان باید از چشم‌پانچان بماند. «برایان سلزنیک» داستان پرگره هوگورا با کلمات و نقاشی‌های جادویی‌اش ذره ذره برایشان روایت می‌کند و ما از این روایت و گره‌گشایی آهسته در داستان لذت می‌بریم، انگار یک شکلات آرام آرام در دهان مان آب شود.

کتاب «اختراع هوگو کابره» راوی «دوستی» است، دوستی که شاه‌کلید حل معماها و مشکلات زندگی است. یکی از مسائلی که این کتاب به آن پرداخته است مسأله سینما و نخستین فیلم‌های ساخته شده توسط بشر است. قصه کتاب به «تاریخ سینما» گره می‌خورد و خواننده از انتخاب این فرم هوشمندانه برای کتاب توسط نویسنده شگفت‌زده می‌شود. آشنا شدن با شخصیتی واقعی در تاریخ سینما و پیوند خوردن زندگی او با کتاب، علت دیگری است که آن‌را از دیگر کتاب‌های نوجوان متفاوت می‌کند و ما را به فکر فرو می‌برد که برای نوشتن از شخصیت‌های واقعی در تاریخ خود، چه راه‌هایی برای نوشتن داریم!

«اختراع هوگو کابره» برنده جوایز ادبی از جمله مدال نیوبری و مدال کلد کات و مدال طلای لاک پشت برنده شده است که مهر تأییدی بر شگفت‌انگیز بودن این رمان نوجوان متفاوت است.



آشنا شدن با شخصیتی واقعی در تاریخ سینما و پیوند خوردن زندگی او با کتاب، علت دیگری است که آن‌را از دیگر کتاب‌های نوجوان متفاوت می‌کند و ما را به فکر فرو می‌برد که برای نوشتن از شخصیت‌های واقعی در تاریخ خود، چه راه‌هایی برای نوشتن داریم